

بررسی نقش دولت در رشد و گسترش فیزیکی شهر ماسال با تاکید بر تغییر کاربری اراضی کشاورزی پیرامون

محمدتقی رهنمایی، محسن کلانتری و پروانه صفری لوحه‌سرا

چکیده

سیر تکوین شهر و شهرنشینی در ایران همواره با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است، اما دگرگونی‌های کمی و کیفی شهرنشینی کشور طی پنجاه سال اخیر بسیار متفاوت از پیش از آن است. دولت پس از انقلاب مشروطیت و به ویژه بعد از اصلاحات ارضی، در سیاست و اقدامات خرد و کلان خود به رانت نفت تکیه نمود. درآمد حاصل این رانت در اقتصاد شهرهای کشور بسیار موثر واقع شد. سرمایه‌گذاری و درآمدهای نفتی در شهرها در کنار سیاست‌ها و اقدامات دولت در زمینه زمین و مسکن، اجرای طرح‌های گسترده، توسعه کالبدی، توسعه صنعتی و ایجاد جاذبه‌های متعدد و متنوع در شهرهای بزرگ و کوچک، موجب رشد تعداد و جمعیت و عملکرد شهرها شد، به نحوی که این دگرگونی‌ها سبب شد تا شهرها، بسیار بی‌قواره گسترش یابند. شهر ماسال از جمله شهرهایی است که پس از انقلاب اسلامی به شدت تحت تاثیر سیاست‌های دولت قرار گرفته است و به ویژه از سال ۱۳۷۰ به بعد جمعیت و مساحت آن بسیار افزایش یافته است و از آنجا که این شهر بر بستر زمین‌های کشاورزی قرار گرفته است، با تاثیرپذیری از اقدامات دولت، بخش وسیعی از اراضی کشاورزی پیرامون این شهر به زیر ساخت و ساز و کاربری‌های شهری رفته است. مقاله حاضر کوشیده است به شیوه توصیفی و تحلیلی و با استفاده از دو روش کتابخانه‌ای - اسنادی و میدانی، ضمن بررسی سیر پیدایش، تکوین و رشد این شهر طی چند دهه اخیر، مهمترین عوامل و سازوکارهای ناشی از اقدامات دولت که در گسترش فیزیکی شهر ماسال موثر بوده است را شناسایی کند و از طرفی نوع و میزان و جهات گسترش شهر و تاثیر آن در تغییر کاربری اراضی کشاورزی پیرامون شهر را معین نماید.

کلیدواژگان: دولت، گسترش کالبدی، ماسال، کاربری زمین

مقدمه

طی چند سال گذشته، تحول شگرفی در اندازه و شیوه فعالیت‌های دولت در کشورهای مختلف جهان پدید آمده است و نقش دولتها در رشد شهری در پی حوادث مختلف جهانی فراز و فرودهایی را طی نموده است (بانک جهانی، ۱۳۷۸، صص ۲-۳). کشورهای در حال توسعه نیز با شدت بیشتری تحت سیطره سیاست‌ها، تدابیر و تصمیم‌گیری‌های دولت قرار دارند و به تبع آن رشد شهرنشینی آنها نیز وابسته به نحوه عمل دولت عمدتاً متمرکز این جوامع است. به همین دلیل شهرنشینی در بسیاری از کشورها از جمله ایران تحت تاثیر برنامه‌های دولت، به شدت گسترش یافته است.

دولت ایران در سیر تاریخی حیات خود از زمان باستان تاکنون نقش حساس و مهمی در شهرنشینی و شیوه‌های آن داشته است. هرچند نوع و میزان این نقش از زمانی به زمان دیگر متفاوت است. انقلاب مشروطه نقطه عطفی در تحول شهرنشینی کشور محسوب می‌شود، چراکه ساخت و کارکرد دولت به دلیل اتکا به مازاد نفتی تغییر می‌کند. هرچند نمود این تحول در عملکرد دولت به سالهای پس از دهه ۴۰ باز می‌گردد، چراکه پس از این دهه و به دنبال سرمایه‌گذاری و توجه بیشتر دولت به شهرها، نظام تولید پیش سرمایه‌داری دچار رکود شد و مناسبات جدیدی در روابط سکونتگاهی بین شهرها و روستاها پدید آمد که نتیجه آن رشد انفجاری شهرهای بزرگ و افزایش تعداد نقاط روستا - شهری و شهرهای کوچک بویژه پس از دهه ۱۳۵۰ می‌باشد. در واقع دولت از این دوران به بعد به عنوان متولی رشد و توسعه در تمام شئون زندگی مردم ایران تبدیل گشت. بنابراین دولت در نتیجه توجه هر چه بیشتر به شهرها با سیاستهای متعددی چون تدوین و اجرای طرح‌های توسعه شهری، تزریق اعتبارات جاری و عمرانی به شهر و تفویض عملکردهای اداری - سیاسی به آنها، گسترش نظام دیوان سالاری و تغییر ساختار اقتصادی و حیات شهرها، رشد شهرنشینی در کشور را تسریع بخشید. از جمله پیامدهای این رشد، گسترش فیزیکی است. در اثر مداخله مستقیم و غیر مستقیم دولت، مکانیزمهای پویایی شهرها دگرگون شد و ضمن تغییر اندازه و مساحت شهرها، منشاء تحولات کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قابل

توجهی شد، از جمله اینکه از نظر کالبدی بسیاری از منابع طبیعی و از جمله زمین‌های مساعد کشاورزی پیرامون شهرها در اغلب موارد تغییر یافت و به ساخت‌وسازهای شهری تبدیل شد. بررسی کم‌وکیف اثرگذاری این مکانیزیم قدرتمند، موضوع مقاله حاضر است و به عنوان نمونه شهر کوچک اندام و تازه تاسیس ماسال در خطه سرسبز گیلان مورد مطالعه قرار گرفته است.



بیان مسئله

شهر کوچک ماسال در استان گیلان در ۴۵ کیلومتری شهر رشت قرار دارد، این شهر طی سالهای اخیر رشد جمعیتی و گسترش فیزیکی سریعی را تجربه کرده است. سرآغاز دگرگونی در ماسال و در حقیقت شهر شدن آن به سال ۱۳۴۰ در نتیجه تصمیمات سیاسی - اداری و تأسیس شهرداری در این شهر برمی گردد. آمارها و شواهد محلی نشان می دهد، این شهر تا چند سال پس از این که به طور رسمی به عنوان شهر تعیین گردید و با وجود تأسیس بخشداری در سال ۱۳۵۵ و ارتقاء به مرکز بخش و تا وقوع انقلاب اسلامی عملاً جمعیت، مساحت و کالبدی کوچک داشته است، سیمای غالب آن روستایی و ویژگی های شهری کمتری بر آن حاکم بوده است. اما پس از انقلاب، بویژه بعد از دهه ۶۰ رشد و گسترش این شهر، سرعت بسیار زیادی گرفت و جمعیتش از ۱۳۷۳۰ نفر در سال ۱۳۶۷ به ۲۰۸۹۱ نفر در سال ۱۳۸۵ رسید. مساحت آن نیز از ۱۷۳ هکتار به ۴۲۷ هکتار رسید. در واقع پس از انقلاب اسلامی، استقرار نهادهای اداری - سیاسی در این شهر کوچک پررنگ تر و به مکانی مرکزی با جاذبه های نسبتاً شهری برای حوزه نفوذ خود تبدیل شد.

از آنجا که شهر ماسال در محیط مساعد طبیعی با آب، خاک، اقلیم مناسب... در جلگه حاصلخیز گیلان واقع شده است، در اثر گسترش افقی شهر، بسیاری از زمین های حاصلخیز کشاورزی و باغات پیرامون آن به زیر ساخت و سازهای شهری و عمدتاً مسکونی رفته است، به گونه ای که در سال ۱۳۸۵، سرانه کاربری مسکونی در این شهر حدود ۷۵/۵ مترمربع بوده است، به عبارتی از ۱۰۰ درصد کاربری ها، ۶۰/۴ درصد به کاربری مسکونی اختصاص یافته است. بنا به مراتب فوق این پژوهش می کوشد جهت بررسی گسترش فیزیکی شهر ماسال به سوالات اساسی زیر پاسخ دهد:

- آیا ارتباطی میان اقدامات و تصمیمات دولت و گسترش شهری ماسال در چند دهه اخیر وجود دارد؟
- ساز و کارهای تاثیرگذار اقدامات دولت در رشد و گسترش کالبدی شهر ماسال چیست؟

فرضیات پژوهش

فرضیات پژوهش حاضر با توجه به سوالات تحقیق و در راستای مطالعه نقش دولت در گسترش شهری ماسال به شرح ذیل انتخاب شده است:

- تهیه و تصویب و اجرای طرح‌های توسعه شهری ماسال در گسترش کالبدی شهر، نوع و میزان تغییر کاربری اراضی پیرامون این شهر مؤثر بوده است.
- مجموعه سیاست‌ها و اقدامات بخش دولتی در رشد و گسترش فیزیکی شهر ماسال و نوع و میزان تغییر کاربری اراضی پیرامون این شهر مؤثر بوده است.

روش انجام پژوهش و مراحل اجرای آن

پژوهش حاضر با ترکیبی از روش‌های توصیفی، تطبیقی - قیاسی کوشیده است. تا عوامل تاثیرگذار در گسترش کالبدی شهر را مورد تحلیل قرار دهد. در این راستا داده‌های تحقیق به دو روش کتابخانه‌ای (استفاده از منابع تاریخی و اسناد) و روش مشاهده و برداشت میدانی، مصاحبه و بررسی نقشه‌ها و عکس‌های هوایی شهر ماسال در دوره‌های مختلف، پرسشگری از مردم و مسئولین مدیریت شهری ماسال گردآوری شده است و همچنین جهت تحلیل‌های آماری و گرافیکی داده‌ها و یافته‌ها از نرم افزارهای Edris, excel و Arcview استفاده شده است.

مبانی نظری پژوهش

در زمینه تکوین و گسترش فضایی - کالبدی شهرهای ایران نظریه‌های مختلفی از سوی صاحب‌نظران و پژوهشگران ارائه شده است، با توجه به جایگاه ویژه دو نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری و نظریه دولت و شهرنشینی در این پژوهش سعی شده است، تا میزان انطباق مکانیزم‌های رشد و گسترش شهر ماسال با تکیه بر نظریه دولت و شهرنشینی مورد مطالعه قرار گیرد. گفتنی است با وجود نکات کلیدی و بسیار ارزنده‌ای که در زمینه فرایند شهر و شهرنشینی ایران و کشورهای خاور میانه در نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری وجود دارد و این نظریه در بسیاری از موارد تبیین‌کننده نظام شهری ایران است، ولی بدنبال وقوع تحولات

اجتماعی - اقتصادی و سیاسی سدهٔ اخیر و بویژه پس از اهمیت یافتن نفت در اقتصاد کلان کشورهای نفت خیز خاور میانه و بهره‌گیری فراوان از این محصول، مرحلهٔ جدیدی از شهر و شهرنشینی مطرح شده است که پیامدهای آن بر تمام عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی و مکانی شهرها سایه افکنده است که نمونهٔ بارز آن کشور ایران می‌باشد.

ویژگی متمایزکنندهٔ نظریهٔ دولت و شهرنشینی از نظریهٔ سرمایه‌داری و بهره‌بری به نوع مازاد ملی در گردش، جهت جریان آن و عناصر و بازیگران در این فرایند برمی‌گردد که پس از انقلاب مشروطیت و بدنبال تحولاتی که در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی کشور بوقوع پیوست تفاوت اساسی خود را با دورهٔ سنتی نشان می‌دهد. در دورهٔ سنتی، نظام اداری کشور بدین نحو بود که کشور به ایالات و ولایاتی تقسیم می‌شد و سپس به شکل تیول و یا اقطاع در اختیار عناصر وابسته به دربار شاهزاده گان، دیوان سالاران، نظامیان یا سران ایالات و عشایر قرار می‌گرفت. این عناصر با قبول تعهدات مالی و احیاناً نظامی معینی به جمع‌آوری مازاد محصولات روستایی و شهری منطقهٔ تحت نفوذ خود می‌پرداختند و پس از پرداخت دیون حکومتی، مقادیر قابل توجهی از این مازاد جمع‌آوری شده برای خود آنها باقی می‌ماند که با توجه به اقامت این عناصر در شهرها طبیعتاً در آنجا هزینه شده و یا در امر تجارت بکار می‌رفت (رهنمایی، ۱۳۷۳؛ صص ۲۱-۲۲).

پس از انقلاب مشروطیت، مازاد نفت در کنار مازاد روستایی و عنصر دولت در کنار عناصر قدیمی شهری مطرح شد و توان و استقلال اقتصادی دولت در مقایسه با دوره‌های قبل از آن به شدت افزایش یافت. یکی از پیامدهای انقلاب مشروطیت، گسترش روند مدرنیزاسیون به منظور گذار و بسط روابط سرمایه‌داری در ایران است. دولت نیز به منظور تسهیل سرمایه‌گذاری در این راه و همچنین در رابطه با تحکیم قدرت خود نیازمند بهبود کارایی و تحول در دستگاه خود بود که این امر با نوسازی دستگاه دولت و پیدایش نظام اداری - سیاسی جدید صورت عملی به خود گرفت. در این راستا و بر مبنای اهداف استراتژیک، تقسیمات سیاسی جدیدی در کشور اجرا شد که به پیدایش واحدهای سیاسی -

اداری در سطوح استان، شهرستان، بخش و منظومه‌های شهری و روستایی وابسته به آنها منجر گردید.

استانداران، فرمانداران و بخشداران به جای عناصر شهری قدیمی نشسته و با کارکردی جدید، مازاد ملی را در قالب اعتبارات جاری و عمرانی در حوزه مسئولیت خود به لحاظ اولویت‌هایی تقسیم و توزیع کردند. بدین ترتیب جریان جدیدی از گردش مازاد از نقاط مرکز به سوی نقاط شهری و همچنین روستایی پدید آمد و در کنار عناصر قدیمی شهر و سازوکار عمل آنها، عنصری جدید به نام دولت با عملکردهای جدید پا به عرصه حیات اجتماعی - اقتصادی شهر گذاشت که با ورود این عنصر جدید، دیگر جریان سرمایه از واحدهای کوچک شهری و روستایی که توسط کشاورزان تولید می‌شد، به شهرهای بزرگ از طریق عناصر قدیم شهری انتقال نمی‌یابد بلکه از طریق واحدهای سیاسی - اداری جدید از مرکز و شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک و روستاها جریان می‌یابد (رهنمایی، ۱۳۷۳؛ صص ۲۲-۲۳/ علی‌اکبری، ۱۳۷۸؛ صص ۳۴-۳۶). بنابراین مهمترین مشخصات نظریه دولت و شهرنشینی عبارتند از:

- الگوی جدیدی از رشد و توسعه فضایی کانونهای شهر را معرفی می‌کند که طی دهه‌های اخیر با حمایت و مباشرت دولت شکل گرفته‌اند.
- رشد شهرها به نوعی متأثر از نظام اداری - سیاسی جدید کشوری می‌داند که بوجود آمد.
- در مبانی نظری آن، انقلاب مشروطیت نقطه عطفی از تحولات اجتماعی - اقتصادی و پیامدهای آن در فضاهاى شهری محسوب می‌شود.
- سرمایه‌های دولتی و اعتبارات جاری و عمرانی دولت برای اجرای طرح‌های عمرانی و پرداخت حقوق کارمندان بازتاب فضایی چشمگیری در گسترش کالبدی شهرها داشته و دارد.
- پیدایش و افزایش درآمدهای نفتی در دست دولت به عنوان دریافت‌کننده انحصاری بهای نفت و انباشت آن در خزانه دولت عامل اقتصادی اثرگذاری بر نظام شهر است.

- بخش خصوصی از نظر اقتصادی بعد از بخش دولتی قرار گرفته و تصمیمات آن تابع سیاستگذاری بخش دولتی و سرمایه گذاری‌های دولت است.
- جریان حاصله از نظام اقتصادی - اجتماعی تحت حاکمیت دولت یک سویه بوده است و بر اساس ویژگیهای سلسله مراتبی خاص شهرها را تحت تاثیر قرار داده است (امیریان، ۱۳۸۵، ص ۷).

به دنبال قدرت‌یابی عناصر جدید شهری در نظام سیاسی - اقتصادی کشور، شهرها به مقرر عمده فعالیت‌های اقتصادی این بازوهای قدرت دولت تبدیل شده‌اند و نهاد دولت در چشم‌انداز کنونی و آینده کشور با اتکا بر شالوده‌های تاریخی، اقتصادی و فرهنگی خود و با در دست داشتن رانت عظیم نفتی و با تخصیص ملی و محلی آن، همچنان به عنوان تنها نیروی اثرگذار بر الگوی کالبدی و کارکردی شهرهای کشور خواهد بود (عظیمی، ۱۳۸۱، صص ۱۲۵-۱۲۴).

پیشینه پژوهش

در طی سالهای گذشته بررسی دولت در شهرنشینی و شهرگرایی مورد توجه اندیشمندان و پژوهشگران قرار گرفته است. در سطح جهانی کتب و مقالات متعددی منتشر شده است که هر کدام به نوعی نقش دولت در شهرنشینی و گسترش کالبدی شهر اشاره نموده‌اند. اما بررسی تاثیر دولت در شهرنشینی ایران نخستین بار توسط دکتر محمدتقی رهنمایی در مقاله‌ای تحت عنوان "دولت و شهرنشینی، نقدی بر نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری هانس بوبک" در سال ۱۳۷۳ مطرح شده است که طی سالهای اخیر چندین پژوهش و رساله دانشگاهی بر پایه آن به انجام رسیده است؛ از جمله دکتر ضیایی و دکتر امیریان در رساله‌های خود به تحلیل ساخت و کارکرد دولت و چگونگی مداخله آن در گسترش شهری ایران پرداخته‌اند، یا دکتر علی اکبری و آقای فرجی مکانیزم‌های گسترش شهری در ایلام و شهر سرابله را مورد کنکاش و بررسی قرار داده‌اند.

هر یک از پژوهش‌های فوق به نوعی نقش دولت را در گسترش شهری و روند شهرنشینی در سطح ملی و محلی تشریح نموده‌اند. اما به جایگاه دولت در رشد و گسترش شهرهای کوچک کشور کمتر توجه شده است، بنابراین بررسی این مهم برای شهرکوچک ماسال با

برخورداری از اقتصاد خدماتی - کشاورزی و پسرکرانه زراعی مرغوب یک ضرورت تلقی می‌شود چرا که اینگونه شهرها در نتیجه تزریق مازاد نفتی دولت به یکباره دچار رشد غیرطبیعی و نامتعادل می‌گردند و بعد از مدتی دچار رکود و به مرحله‌ای می‌رسند که در صورت قطع این مازاد، نمی‌توانند مسیر توسعه مطلوب و پایدار را طی نمایند. از سوی دیگر در پی این گسترش، بسیاری از اراضی زراعی مرغوب پیرامون آن تخریب و از نظر زیست محیطی دچار مشکل شده است. بنابراین شناخت یکی از پیامدهای منفی رشد و گسترش شهری تحت تاثیر اقدامات دولت از یک سو این ضرورت را ایجاد می‌کند که با شناخت و درک این دگرگونی و منطق حاکم بر آن از سوی دیگر به انتخاب سیاست‌های هدایتی و کنترلی متناسب اقدام شود.

سیر پیدایش و تکوینی شهر ماسال

شهر ماسال - مرکز شهرستان ماسال - در بخش جنوب شرقی شهرستان ماسال استقرار دارد. این شهر در ۴۵ کیلومتری شهر رشت، مرکز استان گیلان قرار دارد. عوامل محیطی و طبیعی همچون اقلیم، بارندگی مناسب، پوشش گیاهی و توپوگرافی، وجود پسرکرانه زراعی مرغوب در پیدایش این شهر تاثیر غیرقابل انکاری داشته است. شهرستان ماسال تحت تاثیر توپوگرافی، از سه ناحیه عمده جغرافیایی جلگه، کوهپایه و کوهستان تشکیل شده است و با توجه به جهت شیب این شهرستان، شهر ماسال در قسمت جنوب شرقی شهرستان، در سطحی هموار، جلگه‌ای و کم شیب قرار گرفته است به نحوی که از شیب ۱ درصدی با جهت غرب به شرق برخوردار است. ورود جریانات توده‌های هوایی همچون پر فشار سیبری و پر فشار اطلس شمالی سبب بارندگی فراوان در شهر و شهرستان ماسال شده است. در واقع درجه حرارت متناسب همراه بارندگی فراوان در ایجاد و تقویت پوشش گیاهی و کشت و زرع محصولات کشاورزی از جمله محصول برنج و رونق اقتصاد کشاورزی شهرستان نقش داشته است و در نتیجه حوزه نفوذ تجاری - اقتصادی نسبتاً مناسبی برای شهر ماسال پدید آورده است. نقش بازار نیز در شکل‌گیری شهر و گسترش

کالبدی آن حائز اهمیت است. بازار قدیمی ماسال به عنوان هسته اولیه شهر چه در قدیم و چه هم اکنون بسیاری از تجار شهرهای مختلف، بویژه شهرهای استان گیلان را به این شهر کوچک کشانده است. چرا که ماسال قبل از اینکه به عنوان نقطه شهری شناخته شود به سبب بازار معروف و قدیمی آن شناخته می‌شد. در کنار این شرایط ماسال همانند بسیاری از شهرهای استان گیلان تا پایان حکومت پهلوی با برخورداری از مرکز تجاری کوچک بصورت یک بلوک نظامی بوده است که وظیفه اصلی فئودال‌های آن مراقبت و کنترل مازاد محلی در حوزه نفوذ و انتقال آن به شهر رشت بوده است. چند فئودال مالک این مرکز تجاری کوچک بودند که این افراد عمدتاً بهره‌مالکانه دریافتی خود را به رشت منتقل می‌کردند و عمده سرمایه‌گذاریهای آنها نیز در شهر رشت صورت می‌گرفت. در بین این فئودال‌ها، شخصی از خاندان ماسالی بخشی از سرمایه خود را جهت عمران و آبادانی ماسال صرف نموده است، اما وی نیز همانند سایر فئودال‌ها در شهر رشت اقامت داشت و عمده سرمایه‌گذاری او در رشت انجام می‌گرفت. مهمتر از اینکه بیشتر تجار ماسال غیر بومی بودند و به همین جهت بخش زیادی از مازاد روستایی بوسیله آنها از ماسال خارج می‌شد^۱. تمام این عوامل مانع از تحقق انباشت سرمایه در این مرکز تجاری شده است و لذا به هیچ عنوان نمی‌توان رشد و گسترش این شهر را منطبق با نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری هانس بوبک تا قبل از انقلاب اسلامی دانست و بعد از انقلاب تحت تاثیر سیاست‌های مستقیم و غیرمستقیم دولت این مرکز روستایی به تدریج هویت شهری یافت. با وجود مساعدت‌های محیطی و محلی در شکل‌گیری این شهر، این عوامل به تنهایی نتوانست به ماسال هویت شهری ببخشد. این عوامل در کنار حضور نیروی جدیدی بنام دولت موجب گسترش شهر شده است.

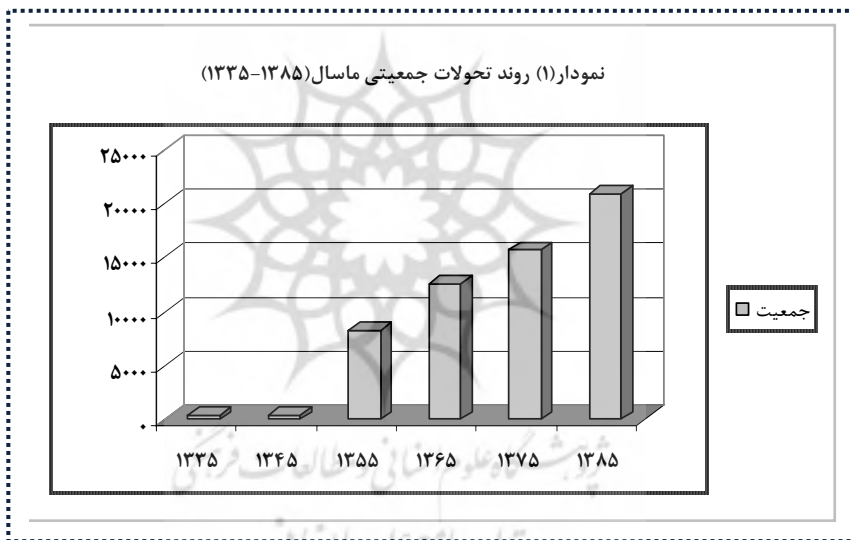
۱. مصاحبه نگارنده با مردم ماسال (کسبه و ساکنین قدیم مردم)، بهار ۱۳۸۶

بررسی عملکرد دولت در گسترش فیزیکی شهر ماسال

مجموعه اقدامات و سیاستهای دولت در گسترش فیزیکی و تغییر کاربری اراضی شهر ماسال عبارتند از:

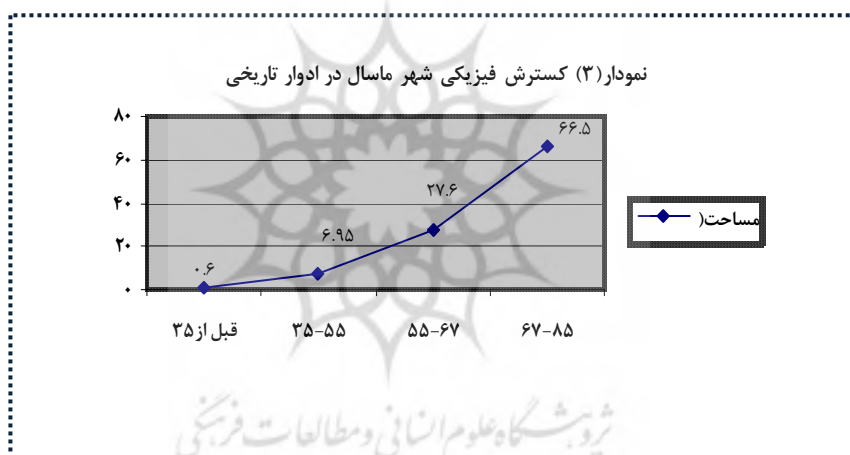
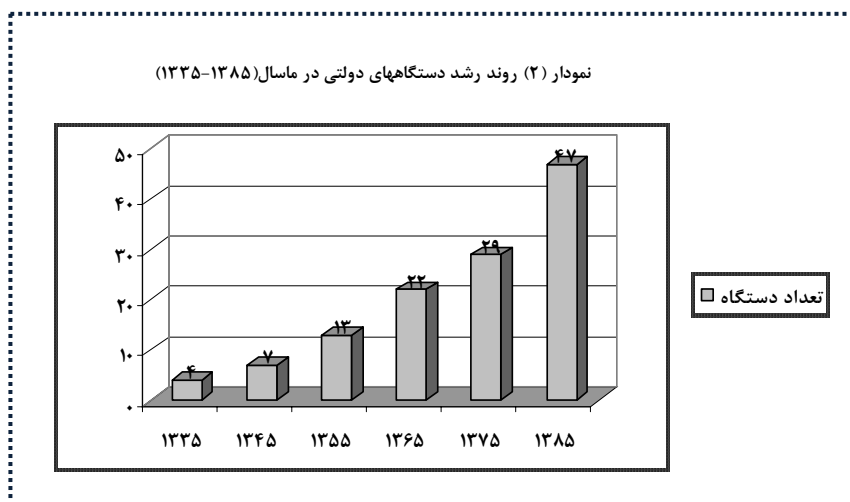
- تفویض عملکرد اداری - سیاسی و گسترش نظام دیوان سالاری در شهر

مطالعات نشان می‌دهد بین منزلت یابی اداری - سیاسی شهر ماسال از جانب دولت و جمعیت‌پذیری، تغییر ساخت اجتماعی و گسترش کالبدی شهر رابطه معنی‌داری وجود دارد. چرا که زمانی ماسال از پایین‌ترین منزلت اداری - سیاسی برخوردار بود، از پایین‌ترین رشد جمعیتی، اقتصادی و کالبدی را برخوردار بود. در دهه ۴۵-۵۵ که ماسال یک نقطه روستایی محسوب می‌شد، جمعیت و مساحت شهر تنها بالغ بر ۴۴۰ نفر و مساحت آن ۴۰/۳ هکتار بوده است و هفت اداره دولتی در این شهر وجود داشت. (ن.ک به نمودار ۱ و ۲ و ۳).



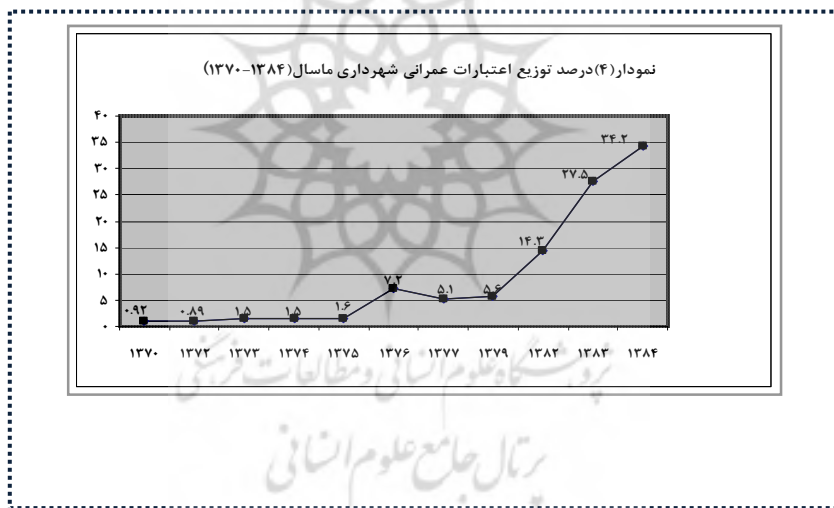
مهم اینکه زمانی که ماسال در دهه ۷۵-۸۵ به بالاترین منزلت اداری - سیاسی یعنی مرکزیت شهرستان ماسال ارتقاء یافت، جمعیت آن بالغ بر ۲۰۸۹۱ نفر و مساحت آن نیز به ۴۲۷ هکتار در پایان سال ۱۳۸۵ رسیده است و از سوی دیگر بالاترین تعداد نهادهای اداری در این شهر

استقراریافت چنانچه در این دوره بالغ بر ۳۸/۳ درصد از مجموع دستگاههای اداری به شهر اضافه شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

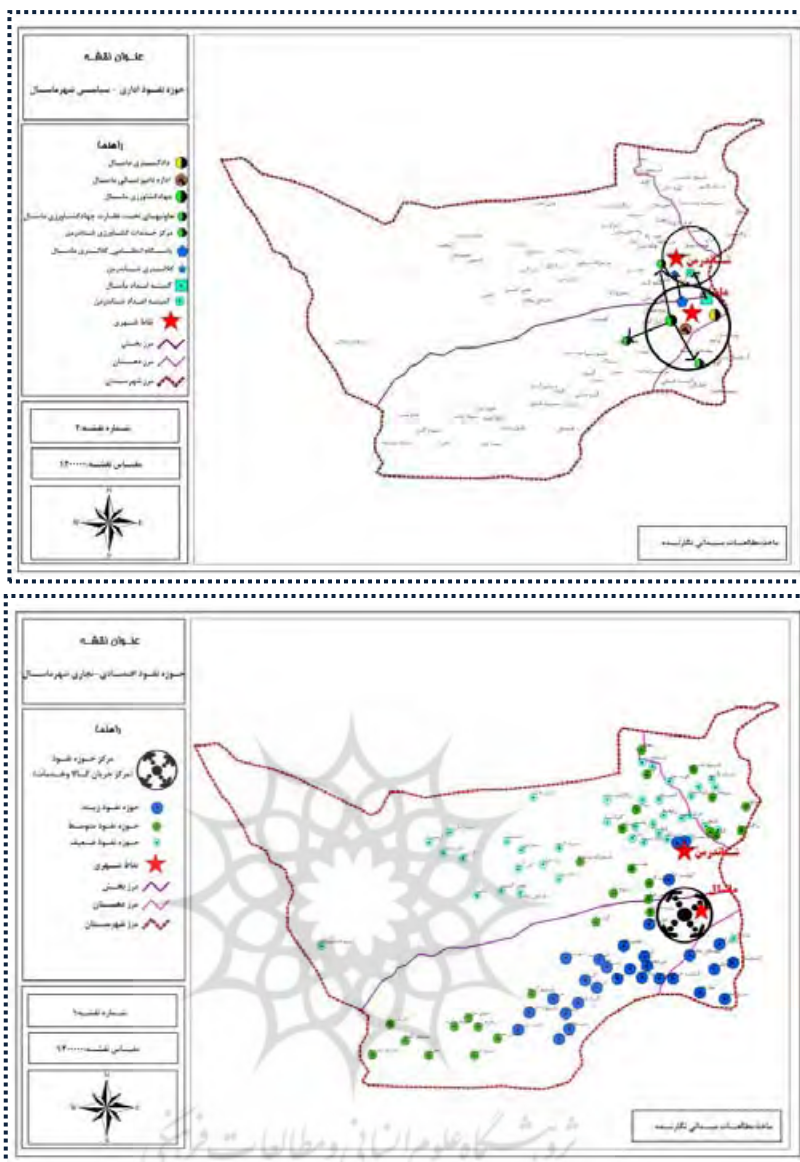
در واقع استقرار ادارات و نمایندگان سیاسی - دولتی آنها چون فرمانداری، بخشداری منجر به جذب اعتبارات قابل توجه عمرانی و جاری برای این شهر شد. چنانکه در سال ۱۳۸۵ مبلغ ۶۳,۳۷۲,۴۰۰,۰۰۰ ریال اعتبار عمرانی در فصول مختلف عمران شهری و روستایی، تاسیسات زیربنایی آب، گاز، آسفالت، بهسازی و... برای این شهرستان تخصیص یافت. همچنین در این سال، مبلغ ۱۰,۹۵۷,۵۹۵,۰۰۰ ریال از این اعتبارات به فعالیت‌های عمرانی شهر ماسال اختصاص یافت. بررسی میزان اعتبارات عمرانی سالهای ۷۵-۷۰ که از طریق منابع دولتی به شهرداری شهر ماسال تزریق شده است، نشان می‌دهد همین که ماسال در سال ۱۳۷۶ به مرکزیت شهرستان ارتقاء می‌یابد، میزان اعتبارات عمرانی آن افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است. چنانکه میزان اعتبارات دریافتی سال ۱۳۷۶ از کل اعتبارات از ۷/۲ درصد به میزان ۳۴ / ۲ درصد در سال ۱۳۸۴ افزایش داشته است (ن.ک به نمودار ۴). بی شک در این مقطع زمانی صرف حجم قابل توجهی اعتبار و بودجه‌های دولتی در گسترش شهر ماسال جمعیت‌پذیری آن بسیار تاثیرگذار بوده است.^۱



۱. آمارها از اسناد ومدارک موجود در فرمانداری شهرستان ماسال وشهرداری ماسال اخذ شده است.

دگرگونی عملکردی شهر

دومین تحولی که در نتیجه تفویض منزلت‌های اداری - سیاسی طی دهه اخیر و به دنبال استقرار نهادهای دولتی نصیب شهر ماسال شده است، تحول عملکردی است بدین صورت که استقرار این نهادها منجر به استقرار شاغلین دولتی و عمومی و نظام بوروکراسی، افزایش خدمات و شاغلین اشتقاقی این خدمات توسط بخش خصوصی شده است. در نتیجه ترکیب اقتصادی شهر ماسال از فعالیت‌های کشاورزی به امور خدماتی تغییر نموده است. به گونه‌ای که شاغلین بخش خدمات در سال ۱۳۷۵، با ۱۴/۴ درصد رشد نسبت به سال ۱۳۶۵، به ۵۵/۴ درصد می‌رسد و در بین شاغلین بخش خدمات، خدمات عمومی و اجتماعی با رشد ۲/۷۴ درصدی نسبت به سال ۶۵ بالغ بر ۵۰ درصد افزایش یافته است. از سوی دیگر دولت با استقرار نظام بوروکراسی و با تزریق اعتبارات جاری و عمرانی همراه با ایجاد جاذبه‌های متعدد در شهر ماسال و عمران و آبادانی راههای روستایی شهرستان و بالا بردن آگاهی مردم و اعطای انواع تسهیلات به روستائیان منجر به افزایش مازاد روستایی و انتقال آن به شهر ماسال شده است. این امر به نوبه خود شکل جدیدی از مراجعات روستا - شهری تحت عنوان مراجعات اجباری را پدید آورده است که نقش مرکزی شهر را تقویت کرده است. در پی این اقدامات، علاوه بر اینکه روابط تجاری دیرینه مردم ماسال نسبت به گذشته افزایش یافته است، بلکه روابط جدیدی در قالب روابط اداری - سیاسی، آموزشی و... به مدد استقرار خدمات برتر عمومی و اشتقاقی در شهر ماسال ایجاد شده است و اقتصاد شهر ماسال از این روابط اجباری و اختیاری بهره برده است و در پی این تحول، اندازه و محدوده قانونی شهر و فضاهای کالبدی آن گسترش قابل توجهی یافته است (ن.ک به نقشه شماره ۱ و ۲).



دگرگونی کالبدی شهر

دگرگونی کالبدی در نتیجه تفویض منزلت‌های اداری - سیاسی و استقرار نهادهای دولتی سومین تحول است. این دگرگونی به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم درگسترش کالبدی شهر تأثیر داشته است. درحال حاضر فضاهای اداری و سیاسی و اجرایی شهر ۴۷ سازمان و

بالغ بر ۱۱/۹۵ هکتار می باشد (ن.ک به جدول ۱) که به صورت پراکنده در سطح شهر احداث شده است. در واقع در حال حاضر دستگاههای دولتی ۷ برابر شمار دستگاههای دولتی قبل از اعطاء منزلت اداری - سیاسی و کسب هویت شهری (۱۳۵۵) ماسال است. از سوی دیگر استقرار نهادهای دولتی اثر غیرمستقیمی در گسترش شهر داشته است. چرا که این عملکرد جدید شهر موجب ایجاد فرصتهای شغلی دولتی و عمومی در شهر شده است از سوی دیگر این مشاغل به دنبال خود فعالیتهای تبعی چون خدمات کامپیوتری، دفاتر اسناد و املاک، چاپ و کپی، کتابفروشی و... را توسط بخش خصوصی ایجاد نمود. بی شک تمام شاغلین یاد شده اعم از دولتی، خصوصی، عمومی نیازمند فضا و مسکن در شهر ماسال پیدا نمود و منجر به گسترش کالبدی شهر گردید. مجموعه این سه عامل موجب رونق یابی بورس بازی زمین و مسکن در سطح شهر شد.

جدول ۱: فضاهای اشغال شده توسط بخشهای دولتی و عمومی و خصوصی در شهر ماسال (۱۳۸۵)^۱

شرح	مساحت (هکتار)	مساحت (درصد)
خصوصی (مسکونی - تجاری)	۱۵۷/۹	۳۶/۱۷
دولتی (دستگاههای دولتی یا وابسته به آن)	۱۱/۹۵	۲/۷۹
عمومی (سبز + تأسیسات و تجهیزات + معابر و...)	۵۴/۹۱	۱۲/۸۵
زمین خالی و رودخانه	۴۲	۹/۸
زمین کشاورزی	۱۶۰	۳۷/۵
جمع	۴۲۷	۱۰۰

۱. اطلاعات و آمار از نقشه کاربری اراضی وضع موجود شهر ماسال (۱۳۸۵) استخراج شده است.

تدوین و تصویب و اجرای طرح هادی و تاثیر آن در گسترش کالبدی شهر

دولت متمرکز ایران در تمام مراحل تدوین و تصویب و اجرای طرح هادی حضور فعال و پر رنگ دارد طرح هادی ماسال در سال ۱۳۶۷ تهیه و در سال ۱۳۷۰ اجرا می‌شود. متأسفانه تدوین این طرح با بی‌تدبیری و پیش‌بینی‌های غلطی صورت گرفته است، از جمله پیش‌بینی اشتباه تعداد جمعیت آینده و تعیین سرانه به میزان $204/9$ مترمربع منجر به افزایش محدوده شهر از ۱۷۳ هکتار به ۲۸۱ هکتار می‌شود^۱. علاوه بر این کمیته فنی استانداری گیلان پس از گذشت چهار سال از اجرای طرح مذکور، در سال ۷۴ به بررسی مجدد این طرح می‌پردازد و بدون دلیل قانع‌کننده حدود ۱۴۶ هکتار از اراضی پیرامون شهر را که عمدتاً اراضی حاصلخیز کشاورزی بود، به محدود شهر اضافه می‌کند. و عملاً محدوده قانونی شهر به ۴۲۷ هکتار می‌رسد که نتیجه آن تغییر ۱۲۸ هکتار (۴۴/۴ درصد) از اراضی کشاورزی مرغوب به کاربریهای شهری و عمدتاً مسکونی ($89/62$ هکتار) است. همچنین حدود $20/5$ هکتار از این اراضی به کاربریهای آموزشی، اداری، نظامی، درمانی، بهداشتی، فضای سبز و شبکه معابر و تاسیسات و تجهیزات فرهنگی و ورزشی تحت تاثیر سیاستهای مستقیم دولت در قالب طرح‌های عمرانی دیگر در کنار اجرای طرح هادی تغییر یافت و حدود ۱۵ هکتار از این اراضی نیز طی سالهای ۸۵-۶۷ به زمین خالی تغییر یافته است. بنابراین این ابزار بسیار قدرتمند که چند صباحی بعد از تفویض عملکرد اداری - سیاسی وارد عرصه گسترش کالبدی شهر شده است، بسیار قدرتمندتر و مسلط‌تر از سایر بردارهای دولتی در گسترش شهر ماسال عمل نموده است.

نکته حایز اهمیت اینکه تمامی زمینهای فوق جزء زمینهای حاصلخیز و مرغوب کشاورزی بوده است که جهت کشت برنج و تولید میوه مورد استفاده قرار می‌گرفت. با تصمیمات دولت و در نتیجه تهیه و تصویب طرح توسعه شهر که مستقیماً زیر نظر دولت تهیه و تصویب و اجرا می‌گردد، محدوده شهر را به ۴۲۷ هکتار افزایش می‌دهد.

۱. اسناد طرح هادی ماسال، ۱۳۶۷

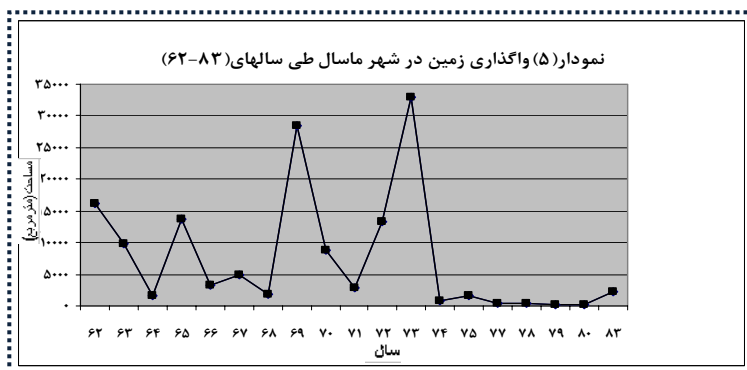
به موجب بازنگری طرح هادی در سال ۱۳۸۳ نیز محدوده شهر از ۴۲۷ هکتار به ۶۸۰ هکتار جهت افزایش جمعیت به میزان ۲۶۷۳۲ نفری با نرخ رشد ۳ درصد در سال ۱۳۹۳ در نظر گرفته شده است. جالب اینکه از میزان ۲۵۳ هکتار زمین افزوده شده به شهر، حدود ۱۳۷ هکتار شامل اراضی کشاورزی بسیار مرغوبی است البته این اراضی با وجود ۱۶۰ هکتار از این اراضی در داخل محدوده شهر، به عنوان ذخیره مسکونی به شهر اضافه شده است (بازنگری طرح هادی، ۱۳۸۳، ص ۱۲).

سیاست عرضه دولتی زمین در شهر ماسال^۱

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل اوضاع و شرایط وقت و در راستای اجرای قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری (۱۳۵۸) و برای جوابگویی به نیاز مسکن روز افزون اقشار محروم و بی سر پناه به منظور تحقق عدالت اجتماعی و برابری، بیشتر اراضی موات شهری کشور به تملک دولت درآمد در این مقطع زمانی، شهر ماسال مانند بسیاری از شهرهای بزرگ و متوسط اندام کشور دچار بحران زمین و مسکن و بورس بازی زمین نبوده است و زمین به مقدار کافی در اختیار مردم این شهر قرار داشت. در واقع واگذاری زمین در ماسال زمانی آغاز شده است که کارکنان دولت یا افراد وابسته بدان در این شهر سکنی گزیده‌اند، به گونه‌ای که طی سالهای ۶۲-۸۳ حدود ۱۴۳۷۷۲ مترمربع زمین در ماسال واگذار شده است که از این میزان حدود ۶۱/۸ درصد آن طی سالهای ۷۰-۶۲ و حدود ۳۸/۲ درصد آن نیز مربوط به سالهای ۸۳-۷۱ می‌باشد (ن.ک به نمودار ۵).

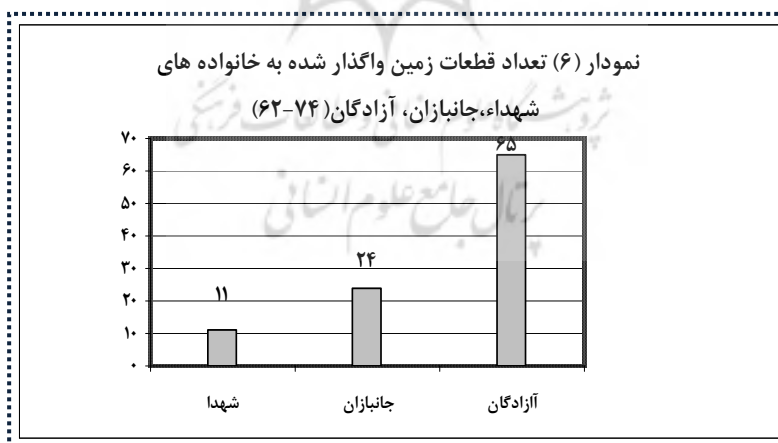
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

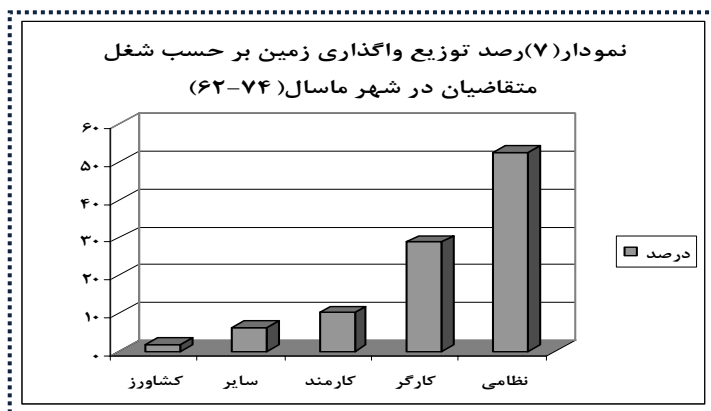
۱. آمار و اطلاعات این بخش براساس اطلاعات اخذ شده از سازمان زمین و مسکن شهرسازی استان گیلان (بهار ۱۳۸۶) می‌باشد.



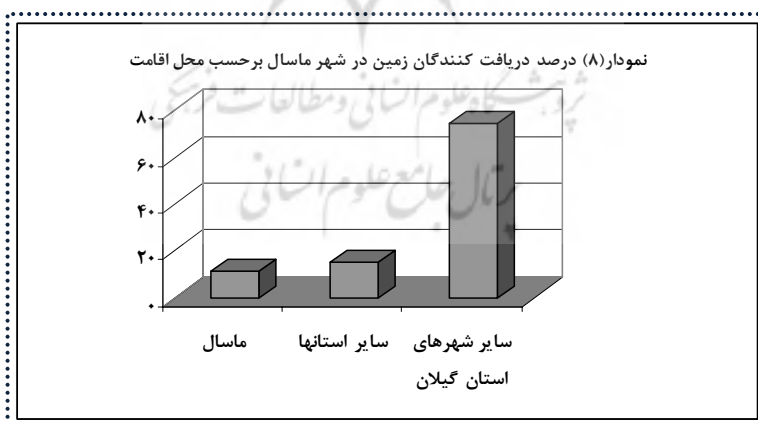
متوسط مساحت هر قطعه زمین واگذار شده در ازاء هر واحد مسکونی در شهر ماسال طی سالهای ۶۲-۷۵ بالغ بر ۲۶۴ مترمربع و متوسط تعداد واحد مسکونی در هر قطعه واگذار شده برابر ۱ واحد و تمام واگذاریها به صورت ویلایی می‌باشد. این دو شاخص نشان دهنده فراوانی زمین و تغییر کاربری زمینهای کشاورزی جهت احداث واحدهای مسکونی و گسترش کالبدی شهر تحت سیاست‌های زمین شهری دولت است.

همچنین طی سالهای ۶۲-۷۰ از مجموع ۷۹۲۹۴ مترمربع زمین مسکونی واگذار شده در سطح شهر بالغ بر ۸/۵ درصد خانواده‌های شهدا، جانبازان، آزادگان اختصاص یافته است و طی سالهای ۷۱-۷۴ از کل ۲۷۴۳۲ مترمربع زمین مسکونی بالغ بر ۵۷/۵ درصد به این خانواده‌ها واگذار شده است و در مجموع حدود ۶۳ درصد واگذاری‌های مسکونی فقط به این قشر صورت گرفته است (ن.ک به نمودار ۶).





طبق آمار سازمان زمین شهری استان گیلان طی سالهای ۶۲-۷۴، به ترتیب ۲۶/۱۰ درصد و ۵۲/۵۶ درصد از دریافت کنندگان زمین شهری کارمند دولت و نظامی بوده‌اند (ن.ک به نمودار ۷) در واقع دولت پس از تفویض عملکرد اداری - سیاسی به ماسال از سیاست زمین به عنوان یک سیاست تشویقی جهت جذب جمعیت به این نقطه شهری استفاده کرده است، چنانکه اکثر دریافت کنندگان زمین (۷۴/۳۶ درصد) در شهر ماسال از سایر شهرهای استان گیلان و به ویژه شهر رشت و سپس از سایر استانها (۱۴/۷۴ درصد) می‌باشند و تنها ۱۰/۹ درصد از مردم شهر ماسال به دریافت زمین اقدام نموده‌اند. بنابراین ۸۹ درصد از دریافت کنندگان زمین در شهر ماسال طی سالهای ۶۲-۷۴ از سایر شهرهای استان گیلان و استانهای دیگر به این شهر جذب شده‌اند (ن.ک به نمودار ۸).



طی سالهای اخیر سیاست مسکن حمایتی دولت در شهر ماسال شامل حال بخش خصوصی شده است. چنانکه در طی سالهای ۸۶-۸۲ قشرانبوه‌سازان وارد بازار زمین و مسکن شهر ماسال شده‌اند و به شدت سرگرم ساخت مجتمع‌های مسکونی در این شهر می‌باشند. در سال ۱۳۸۵، بالغ بر ۱۳ فقره وام مسکن معادل ۴,۹۳۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال در زمینه ساخت مجتمع مسکونی به انبوه‌سازان مسکن تعلق گرفته است. از سوی دیگر در این سال حدود ۵۷ پروانه ساختمانی^۱ برای مساحتی بیش از ۲۱۴۸۰ مترمربع صادر شده است بنابراین ملاحظه می‌گردد، اکثریت مساکن ایجاد شده در این سال با حمایت و مشارکت دولت ساخته شده است. در این سال در زمینه خرید مسکن نیز معادل ۷,۲۰۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال تسهیلات به بخش خصوصی تعلق گرفته است. به این ترتیب بخش خصوصی نیز فرمانبردار سیاست‌های دولت در زمینه زمین و مسکن شهر ماسال عمل کرده است (ن. ک به جدول ۳).

جدول ۲: تسهیلات اعطایی بانک مسکن در سال ۱۳۸۵

مشخصات	تعداد (فقره)	میزان (ریال)
تسهیلات خرید مسکن	۹۱	۷,۲۰۶,۰۰۰,۰۰۰
تسهیلات ساخت مسکن	۶۰	۵,۶۶۲,۰۰۰,۰۰۰
تسهیلات ساخت مجتمع مسکونی	۱۳	۴,۹۳۰,۰۰۰,۰۰۰
مجموع	۱۶۴	۱۷,۷۹۸,۰۰۰,۰۰۰

ماخذ: بانک مسکن ماسال، ۱۳۸۶.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه

روند شهرنشینی در ایران در ۵۰ سال اخیر، نسبت به بیش از آن بسیار متفاوت بوده است. وقوع انقلاب مشروطه و اجرای قانون اصلاحات ارضی دولت شهرنشینی موجب شد تا تأثیر اقدامات و سیاست‌گذاری‌های در ایران را دستخوش دگرگونی‌های بنیادین نماید. گسترش بی‌قواره در کنار جمعیت‌پذیری افسار گسیخته شهرها و رو به عدم تعادل‌های زیست محیطی کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در سطح شهرهای کشور از جمله این دگرگونی‌هاست. گرچه اقدامات دولت در زمینه شهرنشینی بیشتر کلان شهرهای چون تهران و مراکز استان‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. لیکن در این میان شهرهای کوچک اندام نیز از این تحولات بی‌تأثیر نبوده‌اند و گاهی تغییراتی بسیار شدید خارج از حدواندازه ظرفیت محیطی، کالبدی بستر جغرافیایی خویش را پذیرا شده‌اند. تأثیر ساز و کارهای قدرتمند دولت در شهر کوچک اندام ماسال را مورد پژوهش قرار داد، شهر ماسال همانند بسیاری از شهرهای استان گیلان تا پایان حکومت پهلوی با برخورداری از مرکز تجاری کوچک خود بصورت یک بلوک نظامی اداره می‌شد. وظیفه اصلی فنودال‌های آن مراقبت و کنترل مازاد محلی در حوزه نفوذ خود و انتقال آن به شهر رشت بود. از سوی دیگر تجاری که در این مرکز کوچک به تجارت می‌پرداختند اغلب غیر بومی بودند و از طریق آنها نیز مازاد روستایی از ماسال خارج می‌شد. تمام این عوامل مانع از تحقق انباشت سرمایه در این مرکز تجاری و تحقق مصداقی از نظریه سرمایه‌داری بهره‌بری هانس بوبک گردید. بنابراین تا پیش از انقلاب اسلامی عوامل طبیعی چون وجود منابع آب کافی، توپوگرافی، شرایط جلگه‌ای و اقلیم مناسب و دیگر امکانات زیستی، وجود مرکز تجاری و بازار هفتگی ماسال به عنوان عامل اصلی در کنار اقدامات عمرانی و فرهنگی فنودال ماسالی (آقای انامقلی ماسالی) موجب رشد آرام و بطئی این مرکز شد. اما پس از انقلاب دولت و سیاست‌های آن به عنوان یک عامل تحرک بخش در جمعیت‌پذیری و رونق اقتصادی ماسال عمل نمود و بدین ترتیب رشد جمعیت شهر و رشد اقتصادی و تجاری آن با تفویض عملکردهای اداری - سیاسی دولت و استقرار نظام بوروکراسی و دیوان‌سالاری آن مطابقت دارد، یعنی با حضور این عامل قدرتمند، تحولات جمعیتی، اقتصادی و کالبدی ماسال نیز آغاز

می‌گردد. دولت در ابتدا از طریق تفویض عملکردهای اداری - سیاسی به شهر ماسال و گسترش نظام بوروکراسی و دیوان سالاری و به تبع آن تزریق سرمایه به ماسال، به این شهر، هویت شهری می‌بخشد و سپس با بکارگیری سیاستهای تشویقی چون واگذاری زمین، آن هم ۸۹ درصد این زمین‌ها به افراد غیر بومی و سایر شهرها و ۶۳ درصد آن نیز به افراد وابسته به دولت، گسترش شطرنجی و تقریباً جدایی از هسته اولیه شهر و در شمال آن به وجود می‌آورد و سپس با سیاستهای حمایتی دیگر چون پرداخت انواع تسهیلات بانکی به بخش خصوصی، دست این بخش را نیز در گسترش فضایی شهر باز می‌گذارد. در واقع با ایجاد امنیت برای سرمایه‌گذاری این بخش را به فعالیت جهت خدمات‌رسانی به افراد وابسته به دولت یا جهت پاسخگویی به مراجعات روستائیان تشویق می‌کند. همچنین با ابزار بسیار قدرتمندی چون تدوین، تصویب و اجرای طرح‌های محدوده شهر را گسترش داده و جهات گسترش آن را مشخص می‌نماید، چنانکه طرح هادی به صورت یک ابزار قدرتمند وارد عرصه کالبدی شهر و تغییر کاربری اراضی کشاورزی شده است. بنابراین نتایج اجرای طرح هادی و استقرار خدمات و نهادهای دولتی در شهر منجر به تغییر کاربری اراضی کشاورزی بسیاری بدون توجه به ارزش اقتصادی آن و افزایش قیمت زمین و مسکن و بورس بازی این زمینها شده است. تمام این عوامل شاهدهی برای تحقق نظریه دولت و شهرنشینی است. چرا که اقدامات و سیاست‌های دولت نقش قاطع و مسلط در رشد و گسترش شهر ماسال و کارکردهای مختلف آن طی دو دهه اخیر داشته است. با توجه به اینکه اقتصاد و گسترش کالبدی شهر ماسال به تزریق سرمایه‌های ملی وابسته است و این وابستگی هر چه بیشتر به اعتبارات و سرمایه گذاری‌های دولتی را به دنبال دارد و حتی روابط روستا - شهری آن تحت تاثیر تزریق این سرمایه است و ماسال از یک اقتصاد غیر مولد برخوردار است. لذا جهت دست یابی به توسعه پایدار و ارتقاء کیفیت و تنوع خدمات‌رسانی شهر، صنایع مولد با مدیریت بخش خصوصی در این شهر ایجاد شود و از آنجایی که ماسال از شرایط توریستی مطلوبی برخوردار است، تقویت این بخش نیز باید مورد توجه قرار گیرد. همچنین با توجه به قرار گیری ماسال بر بستر زمین‌های کشاورزی و وجود این اراضی در اطراف شهر، هنگام تهیه طرح‌های عمرانی به ارزش حیاتی و اقتصادی این زمینها

توجه کافی شود تا از هدر رفتن و بورس بازی این زمینهای ارزشمند حداقل تا زمانی که امکان دارد جلوگیری شود. در کل مدیریت شهری با مشارکت بخش خصوصی، مدنی و دولتی صورت گیرد چرا که وابستگی مدیریت شهری به یک عامل منجر به لطمه زدن به توسعه پایدار در دراز مدت می‌شود.



منابع

۱. امیریان، سهراب (۱۳۸۵)، تحلیل نقش دولت در گسترش تمرکز شهرنشینی در ایران" با تاکید بر دولت مدرن"، رساله دکتری، دانشگاه تهران، تهران.
۲. بانک جهانی (۱۳۷۸)، نقش دولت در جهان در حال تحول، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران.
۳. بزرگ امید، مهندسین مشاور (۱۳۸۵)، بازنگری طرح هادی ماسال، رشت.
۴. جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، مهندسین مشاور (۱۳۶۷)، طرح هادی ماسال، تهران.
۵. رهنمایی، محمدتقی (۱۳۷۳)، دولت و شهرنشینی، نقدی بر نظریه عناصر قدیمی شهر و سرمایه‌داری بهره‌بری هانس بوبک، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۲.
۶. رهنمایی، محمدتقی (۱۳۷۹)، دولت و شهرنشینی در ایران، نشریه انتخاب، تهران.
۷. رهنمایی، محمدتقی (۱۳۸۳)، دولت و شهرنشینی، آبادی، شماره ۴۲، تهران.
۸. ضیایی، محمود (۱۳۷۹)، تبیین نقش و جایگاه دولت در توسعه شهر و شهرنشینی ایران، رساله دکتری، دانشگاه تهران، تهران.
۹. علی اکبری، اسماعیل (۱۳۷۸)، مکانیزمهای توسعه شهری در استان ایلام با تاکید بر نقش دولت، رساله دکتری، دانشگاه تهران، تهران.
۱۰. فرجی، محمد (۱۳۸۴) مکانیزمهای توسعه شهری در سرابله، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران.
۱۱. مرکز آمار ایران (۱۳۳۵)، سرشماری نفوس و مسکن شهرستان تالش. تهران، انتشارات مرکز آمار ایران.
۱۲. مرکز آمار ایران (۱۳۴۵)، سرشماری نفوس و مسکن شهرستان تالش. تهران، انتشارات مرکز آمار ایران.
۱۳. مرکز آمار ایران (۱۳۵۵)، سرشماری نفوس و مسکن شهرستان تالش. تهران، انتشارات مرکز آمار ایران.
۱۴. مرکز آمار ایران (۱۳۶۵)، سرشماری نفوس و مسکن شهرستان تالش. تهران، انتشارات مرکز آمار ایران.
۱۵. مرکز آمار ایران (۱۳۷۵)، سرشماری نفوس و مسکن شهرستان تالش. تهران، انتشارات مرکز آمار ایران.